

بسمه تعالی

## ارتقاء محتوا در آموزش طراحی خانه مبتنی بر آموزه های اسلام

### چکیده

کانون اصلی توجه این رساله، برقراری رابطه مناسب بین محتوای برگرفته از آموزه های اسلامی و طراحی معماری، در فرایند آموزش طراحی خانه است. مغفول ماندن بُعد محتوا در آموزش طراحی معماری، یکی از دغدغه های عمده پژوهشگران این حوزه بوده است. عدم برقراری رابطه مناسب میان محتوا و طراحی، و نیز فقدان وجود محتوای مناسب، منجر به کاهش سطح کیفی طراحی دانشجویان و عدم ارائه طرحی پاسخگو برای موضوعات گوناگون طراحی شده است. در این میان طرح خانه مسکونی که از طرح های اولیه دانشجویان در دوران کارشناسی است (طراحی یک و یا دو)، در حال حاضر با عدم تأکید بر جنبه های محتوایی، که از فقدان وجود محتوای صحیح و مدون برای طراحی خانه و نیز تأکید بر جنبه های ظاهری طراحی برای تقویت ویژگی های خلاقانه، که پیش از این در استعدادسنجی ورود دانشجویان به رشته معماری و نیز در دروس مقدماتی تکمیل نشده، ناشی می شود- به ارائه جامعیت در طراحی دانشجویان منتهی نمی گردد؛ و همچنین زمینه ای مناسب برای ورود دانشجویان به طرح های بعدی را فراهم نمی آورد. دانشجویان در این مقطع، طبق برنامه مصوب دوره، به جز درس «انسان، طبیعت، معماری» دروس نظری دیگر نظیر «مبانی نظری معماری»، «آشنایی با معماری معاصر» و «معماری اسلامی» را-که می تواند تأکیدی بر بکارگیری محتوا در طراحی داشته باشد- نگذرانده و یا همزمان با طرح معماری، به آموختن این دروس نیز می پردازند. بنابراین آن میزان آشنایی که موجب تشخیص اهمیت کاربرد محتوا در طراحی و نیز شناخت مولفه های مهم در طراحی خانه و یا تشخیص نمونه های برجسته موضوع می شود را نیاموخته و در مواجهه با موضوع اغلب به صورت سطحی و بی اعتنا به محتوا عمل می نمایند.

هدف پژوهش حاضر، ارتقای آموزش طراحی معماری، مبتنی بر محتوای برآمده از فرهنگ اسلامی است و طراحی خانه مستقل مسکونی به عنوان موضوع اصلی آموزش، در این پژوهش مدنظر بوده است. آنچه در این پژوهش به عنوان کلیدی ترین عامل در آموزش طراحی مورد توجه قرار گرفته است، تبیین جایگاه محتوا، یعنی مفهوم انسان و روابط و نیازهای او از منظر آموزه های اسلام و کاربرد آن در آموزش طراحی و در اجتهاد (تعیین اولویتهای عملی و اجرایی) برای انتخاب اجزاء و عناصر کالبدی و تبیین مراحل منتج از آن است.

روش تحقیق این پژوهش، تفسیری و تحلیلی، تحلیل محتوای کیفی و استدلال منطقی است. در مرحله اول پژوهش، که به مدلسازی اختصاص دارد، با استفاده از چارچوب نظری پژوهش و به روش استدلالی و بهره گیری از عقل و نقل، ساخت و تشریح مراحل و مبانی مدل های آموزش طراحی معماری و آموزش طراحی خانه، صورت گرفته است. نتایج پژوهش در مرحله مدلسازی ها، از حاصل روش های فوق، در طول یکدیگر و هم افزایی مکمل آنها، حاصل شده است. مطالعه کتابخانه ای و مراجعه به اسناد و تفسیرهای معتبر از آیات و روایات و سایر منابع معتبر دینی با روش تحلیل محتوای کیفی و تحلیل و تفسیر، در تکمیل ساختار و محتوای مدل ها، بخش عمده ای از داده ها را به دست داده است. بخش دوم پژوهش، به تحقق پذیری امکان سنجش بخشی از مدل به دست آمده برای به کارگیری

محتوا در طراحی درون خانه (رابطه میان عرصه بندی های درونی خانه) اختصاص دارد. بدین منظور، آن بخش از محتوای مدل که به فراهم آوردن زمینه لازم جهت تحقق محتوای روابط خانوادگی درون خانه اختصاص دارد، به عنوان مطالعه موردی، به روش آزمایش کنترل شده، در آتلیه طراحی، به اجرا گذاشته شده است.

یافته های تحقیق نشان می دهد با استفاده از مدل های محتواگرا، که مبتنی بر ساختار فرایندهای انسان و آموزه های اسلام و به جهت برقراری ارتباط موثر میان نظر و عمل ایجاد شده است، می توان آموزش طراحی معماری بطور عام و طراحی خانه را بطور خاص ارتقاء بخشید. به عبارت دیگر با کنترل تأثیر پیشینی محتوا بر طرح و تأثیر سنجی پسینی طرح نهایی در ایجاد محتوا، می توان رابطه ای موثر، میان محتوا و طراحی در آموزش طراحی معماری ایجاد نمود. همچنین برای ارتقای هویت اسلام در آموزش طراحی خانه، لازم است مبانی اسلامی در سه لایه محتوایی بینش ها، ارزش ها، و روش ها تنظیم و شیوه ظهور آنها در طرح تشریح گردد. پس از طراحی نیز، تأثیرسنجی طرح نهایی، در ایجاد بستر لازم جهت تحقق سه لایه ارزش های محتوایی فوق صورت می پذیرد. همچنین روشن شد که در پرتو تعریف اسلام از خانواده و روابط افراد با یکدیگر، نظامی از توصیه های ارتباط یا محدودیت میان عرصه بندی های درونی خانه، تحت عنوان مدل نظام ارزش های طراحی سازمان فضایی خانه، ایجاد می گردد که رعایت آن به ارتقای سطح محتوایی طراحی دانشجویان، نزدیک تر به آموزه های فرهنگ اسلامی برای تحقق روابط خانوادگی، می انجامد.

**کلید واژه ها:** آموزش معماری، طراحی خانه، مدل، محتوای معماری، مکتب اسلام